

# طلاق بریتانیا از اتحادیه اروپا

امیرفیض- حقوقدان

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به اعتبار همه پرسى بصورت بحث روز، اکرانه‌های خبری را اشغال کرده است. این تحریر مایل است درکنار موضوع حرکتی داشته باشد.

اساسا اتحاد بین کشورها برای موضوعات خاص و عینی و قابل پیش بینی بوجود می‌آید و غالباً هم درست از آب درنمی‌آید به همین دلیل است که تاریخ ازدوام و بقای هیچ اتحادیه ای گواهی ندارد.

ممکن است در اتحاد بین کشورها مسائل اقتصادی و رفاهی و حتی دفاعی انگیزه اتحاد شناخته شود ولی مسئله بسیار مهم که سبب پوکیدگی اتحاد بین کشورها می‌گردد موضوع اقتدار ملی و احساسات ناسیونالیستی است که نسبت به اتحاد بین کشورها بعثت از دست دادن و یا تحدید حاکمیت ملی نظر مساعدی ندارند.

اتحاد بین کشورها بهر قسم که باشد از جمله اتحادیه اروپا حاکمیت کشور و ملت را محدود و یا از ملت سلب میکند و این مسئله آنقدر با اهمیت است که ملت ها غالباً مسائل اقتصادی و رفاهی را تحت الشعاع اقتدار ملی و حاکمیت کشورشان میدانند.

میتوان گفت که انگیزه مردم انگلیس از رای به جدائی از اتحادیه اروپا همین مسئله وابستگی و از دست دادن اقتدار ملی و حاکمیت کشورشان بوده است.

مسلم است که تصمیم به جدائی از اتحادیه اروپا ممکن است با تحولات اقتصادی و رفاهی همراه شود که سالب امکانات اقتصادی و رفاهی کنونی برای مردم انگلستان بشود ولی جامعه شناسی نشان میدهد که انسان ها به خاطر غرور و شرافت ملی و یکی هم اعتقاد دینی بسیار آماده اند که زندگی و رفاه خودشان را در راه حفظ اقتدار ملی و یا اعتقاد دینی از دست بدهند.

## طلاق بریتانیا

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا گرچه براساس پیمان لیسبون در سال ۲۰۰۷ صورت گرفته ولی تشریفات این خروج خیلی شبیه به طلاق زناشویی است که بایستی امور حاصل از پیوند بریتانیا تصفیه شود لذا باید به دارائی ها و حقوق مشترک اتحادیه و بریتانیا رسیدگی و سهم هریک معلوم شود. گفته شده حدود ۸۰ هزار صفحه مکاتبات و قوانین است که سبب ارتباط حقوقی بریتانیا و اتحادیه اروپا شده که باید وضع آنها روشن شود دو میلیون و دویست هزار اروپائی در بریتانیا ساکن هستند و متقابلاً دو میلیون انگلیسی در کشورهای عضو اتحادیه ساکن میباشد تعیین تکلیف آنها معلوم شود درست مانند طلاق زن و مرد که بایستی تکلیف فرزندان آنها و اموال متعلق به هریک از زوجین از هم جدا شود.

## تأثیر مسئله بناهجویان در رای مردم بریتانیا

میتوان گفت یکی از علل رای مردم انگلیس به جدائی از اتحادیه همین مسئله مهاجرین اروپائی بوده که سخت باعث تأثیر در زندگی مردم انگلیس شده مشکل عظیمی است زیرا هر تصمیمی که دولت انگلیس نسبت به مهاجرین اروپائی اتخاذ کند کشورهای عضو اتحادیه هم علیه شهروندان انگلیسی مهاجر اجرا

خواهند کرد بنابراین مشکل بنظر میرسد که مردم انگلیس بتوانند آنطور که تصور میکنند بتوانند به آسانی از زیر بار فشار مهاجرین خلاص بشوند.

### مزاحمت های روحی

برای همه ملتها وجود خارجی و مهاجران درکشورشان نوعی مزاحمت است و اگر از جنبه های اقتصادی نباشد مسلما از جنبه های روحی و اخلاقی و امنیتی هست.

رهبر جبهه ملی فرانسه (خانم ماری لوپن) در مورد جدائی انگلستان از اتحادیه اروپا گفته است <انگلیسی ها جنبشی را آغاز کرده اند که نمیشود آنرا متوقف کرد و بطور حتم کشورهای دیگر نیز به همین راه کشیده خواهند شد.>

اشاره بسیار بااهمیتی است همه تحولات مهم جهان با جرقه ای شروع شده که متوقف شدنی نبوده است.

احساس میشود که بشریت از تداخل فرهنگ و عادات و رسوم و نیز مداخله قدرتها برای تحمیل سیستم های اجتماعی خود به ستوه آمده بودند و امواج مهاجرین پناهجو سبب شد که ناراحتی و خشم مردم کشورها بصورت علنی و جدی در مقابل اتحادیه اروپا و اکنش خود را نشان بدهند.

>بنابر گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل، ۵۸ درصد از پناهجویان که سال گذشته وارد اروپا شده اند مرد هستند و تنها ۱۷ درصد این جمعیت رازنان تشکیل میدهند..... برخی جامعه شناسان عدم تعادل بافت جنسی میان پناهجویان رایج هشدار میدهند و معتقدند که اتفاقات مربوط به شب سال نو در کلن با توجه به چنین دیدگاهی قابل تحلیل است.<

یکی از روزنامه های آلمان نوشته است: <لشگر مردان پناهجو برای اشغال اروپا آمده اند.>

### لهستان محکم ایستاد

با آنکه اتحادیه اروپا سیاست حمایت از پناهجویان را اتخاذ و برای هریک از کشورهای عضو اتحادیه سهمیه ای از پناهجویان تعیین کرد و لهستان یکی از کشورهای عضو اتحادیه است معهدا لهستان سخت در مقابل تصمیم اتحادیه ایستاد و اعلام کرد <ورشو هیچ پناهجویی را نمیپذیرد> و اضافه کرد <با پیشنهاد اتحادیه اروپا در مورد جریمه کشورهایی که به سهمیه پناهجویان خود پایبند نیستند مخالفت خواهد کرد.>

(اسرائیل حتی یک پناهجوی یهودی را هم نپذیرفت)

### ملیون فرانسه و آلمان و ایتالیا

بنابر اعلام خبرگزاریها ملیون و اپوزیسیون فرانسه و ایتالیا و آلمان خواهان همه پرسى برای جدائی از اتحادیه اروپا شده اند و جالب اینکه عمل مردم انگلیس را باز یافت استقلال کشورشان میدانند. همان خبرگزاری میگوید هفت کشور عضو اتحادیه اروپا در تلاطم فکری و عملی جدائی از اتحادیه اروپا میباشند

### قزوین ویزد هم بلند شده اند

پس از انتشار خبر تجاوز چند مرد افغانی بیک دختر عقب افتاده در قزوین مردم قزوین بشدت خواستار اخراج افغانها شده اند و در اعلامیه هائی از مردم شهرشان خواسته اند که افغان هارا استخدام نکنند و به آنها خانه اجاره ندهند. همان خبر حاکی است که در یزد پلاکادرهائی از پارچه های بلند از ساختمان ها آویزان شده که روی آن نوشته شده <مانمیخواهیم غریبه در خانه مان باشد>.

## دستآورد

نمونه های آلمان و لهستان فرانسه و ایتالیا، قزوین و یزد آورده شد تا قبول کنیم که تحمل ۵۰۰ هزار فرانسوی فقط در لندن که آن فرانسویان هم اصلا انگلیسی را آدم نمیشناسند، عامل موثری در رای جدائی از اتحادیه اروپا بوده و این پیشتازی مردم انگلیس رهبری بشریت بسوی حاکمیت ملی وکشور هاست.

## مسیر اتحادیه از رفاهی به سیاسی و نظامی

هدف اولیه اتحادیه که قابل درک و سبب استقبال عموم مردم بود، آزادی معاملات با کشورهای اروپائی و ایاب و ذهاب بدون ویزا و فعالیت های مشترک کشاورزی و علمی بود ولی کم، کم شد یک پایگاه اقتدار و نفوذ سیاسی برای آمریکا.

در همین رابطه وزیر دفاع آلمان گفت: <که قرار بود اتحادیه اروپا دارای یک ارتش و فرماندهی واحد نظامی بشود> یعنی در حقیقت خلع سلاح کلی از حاکمیت کشورها و همانطور که آمریکا روی ناتو پنجه افکنده روی تمامی قدرت نظامی کشورهای اروپائی هم سلطه نظامی و سیاسی خود را بگستراند.

اتحادیه اروپا امروز عصای سیاسی آمریکا شناخته میشود در مذاکرات اتمی ایران کنار کشورهای ۱+۵ اتحادیه اروپا هم سبز شد در حالیکه سه کشور از همان اعضای ۱+۵ عضو اتحادیه اروپا بوده اند یعنی آمریکا دوسره بار کرد و بعد هم تحریم های یکطرفه آمریکا را اتحادیه اروپا تصدیق کرد و به اجرا گذاشت.

در تحریم روسیه بمناسبت اوکراین اتحادیه اروپا به نیابت آمریکا عمل کرد بنابراین ناسیونالیست های کشورهای اروپائی نمیتوانند ناظر این تجاوز به حق حاکمیت خودشان باشند و بطور طبیعی از واکنشی که حداقل آن ترک اتحادیه اروپاست استقبال خواهند کرد.

## موقعیت جمهوری اسلامی در این جهش تاریخی

در این موقعیت تاریخی که خیزش حق حاکمیت کشورها زنده و متعالی شده است نه تنها مردم ایران فاقد حق حاکمیت هستند بلکه جمهوری اسلامی با قرارداد برجام ۲۵ سال حق نظارت در محدوده خاصی که عبارت از راستی آزمائی است را برای آمریکا قائل شده است. تفسیر و مفهوم حق راستی آزمائی این است که جمهوری اسلامی قبول کرده که ایرانیان ملتی شیاد، دروغگو، ظاهر ساز و غیر قابل اعتماد هستند و آمریکا حق دارد برای آدم کردن ایرانیها ۲۵ سال برگرداند آنها سوار باشند.

در این روزگار که مردم کشورهای اروپائی و در فهرست نخست، مردم بریتانیا تحمل تحمل سیاست خارجی رابر کشورشان ندارند جمهوری اسلامی چنان از آن قرارداد برجام استقبال و آنرا مرحمتی بزرگ میداند که میگوید: <ما اجازه نمیدهیم آمریکا قرارداد برجام را نقض کند>.

## بیامد های جدائی بریتانیا

بنظر این تحریر جنبه های سیاسی جدائی بریتانیا از اتحادیه بمراتب بیشتر و سنگین تر از سقوط پوند و یا محدودیت های رفاهی و اقتصادی است.

خبرها حاکی است که اسکاتلندی ها و ایرلند شمالی دوباره یاد فراندنم برای استقلال افتاده اند و بهانه ای برای تجدید فراندنم دارند که بی بهاست؛ میگویند ما خواستار ادامه عضویت در اتحادیه بوده ایم و اکنون که این خواست تامین نشده ما حق داریم که نسبت به جدائی از انگلیس فراندنم کنیم این ادعا باطل است شرکت در فراندنم و انتخابات به معنای قبول نتیجه انتخابات است نه اینکه ایجاد حق مخالفت با تصمیم اکثریت بنماید.

دولت اسپانیا که قرنهاست جبل الطارق در محدوده آب و خاک آن کشور قرار دارد ولی حاکمیتی بر آن تنگه ندارد و انگلیس بر آن حکمرانی دارد بعد از همه پرسى جدائی انگلیس از اتحادیه اروپا خواستار مشارک در اداره تنگه مزبور شده است (ضعف که آمد توسرى هم آمده است).

## مهمترین بیامد ها

از آنجا که دگرگونی در اوضاع و احوال زمان هر قرارداد، از مراتبی است که ایجاد حق فسخ برای طرفین قرارداد بوجود میآورد لذا در صورتی که اسکاتلند و ایرلند شمالی از بریتانیا جدا شوند بریتانیا دیگر کبیر نیستو عبارتی که انگلیسیها برای نشان دادن عظمت امپراطوری خودشان بکار میبردند > در امپراطوری انگلستان خورشید هیچگاه غروب نمیکند < مقصود پهناوری انگلستان و مستعمرات آن بوده، دیگر نمیتواند به بریتانیا منتسب باشد.

بریتانیا متشکل از انگلستان، اسکاتلند، ایرلند شمالی و ویلز است و ۳۰۰ سال هم هست که این اتحادیه وجود دارد. اگر اسکاتلند و ایرلند شمالی از انگلستان جدا شوند بریتانیا میشود شیرینی یال و دم و این دگرگونی از مراتبی است که حق تجدید نظر و اعلام بطلان همه قرارداد های انگلیس با کشورها را بوجود میآورد.

با خروج احتمالی اسکاتلند و ایرلند شمالی تمامی ۵۳ کشورهای مشترک المنافع با ۳۰ درصد از جمعیت جهان و ۳۰ درصد از قسمت خاکی جهان در موقعیتی قرار خواهند گرفت که میتوانند از قرارداد خارج شوند (قرارداد مشترک المنافع در سال ۱۹۷۱ در سنگاپور به امضا رسید) و از جمله است کانادا و استرالیا و زلاند جدید و هند که مجموعاً ۵۳ کشور را تشکیل میدهد؛ زیرا کشورهای مشترک المنافع به اعتبار شخصیت سیاسی و پهناوری امپراطوری بریتانیا و قدرت سیاسی و نظامی آن کشور عضویت سازمان مشترک المنافع و تعهدات آنرا پذیرفته اند نه بریتانیای مفلوک قطعه قطعه شده که تمام قدرت دریائی و تسلیحات اتمی آن هم در منطقه اسکاتلند است.

## سود آمریکا

جدائی بریتانیا از اتحادیه اروپا سبب میگردد که کشورهای اقماری بریتانیا (۵۳ کشور مشترک المنافع) احساس نا امنی کنند زیرا آنها به حمایت سیاسی و نظامی انگلستان عادت کرده اند و با ضعف و تجزیه

بریتانیا آن کشورها بطور طبیعی به آمریکا جذب خواهند شد و آمریکا نیز مترصد است که خلاء پیش آمده را پر کند، کشورهای اقمربریتانیا بطور حتم بسوی آمریکا کشیده میشوند تا روسیه و یا چین.

امریکا قرن‌ها میهن پرستان ایرلندی را برهبری <آدام> کمک مالی و تسلیحاتی میکرد که از بریتانیا مستقل شوند و حمایت آمریکا از آنها در زمان تونی بلر و همکاری های خالصانه بلر با آمریکا در جنگ عراق که موجب اتهامی تاریخی و سیاسی علیه انگلستان شده سبب قطع کمک ها و دخالت های آمریکا در ایرلند گردید؛ اکنون تحولات اخیر در بریتانیا زمینه را برای اجرای سیاست دیرینه آمریکا نسبت به ایرلند بریتانیا فراهم خواهد ساخت.

دربحران های بزرگ بین المللی همواره انگلیسیها توانسته اند با بصیرت و زیرکی که دارند بر بحران ها تسلط یابند اکنون باید منتظر بود که چه زاید سحر.